

شماره کتاب: ۲۳۷۱ - سری ۱۰۰
 نام کتاب: «با نگاهی به رمان مسخ اثر فرانتس کافکا»
 نویسنده: رابا، مریم
 مترجم: فرانتس کافکا
 سال انتشار: ۱۳۹۸
 شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۳۰۸-۰۱-۶
 ناشر: انتشارات آردمان

هنوز هیچکس نیستم

«با نگاهی به رمان مسخ اثر فرانتس کافکا»



مریم رابا

«با نگاهی به رمان مسخ اثر فرانتس کافکا»

نویسنده: فرانتس کافکا

مترجم: مریم رابا

سال انتشار: ۱۳۹۸

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۳۰۸-۰۱-۶

ناشر: انتشارات آردمان

www.ardman.ir

Instagram: @ardmanpub

تلفن: ۰۰۰ / ۰۰۰



ISBN 978-964-308-01-6

انتشارات آردمان

مقدمه

نخستین بار که کتاب «مسخ» فرانتس کافکا را خواندم به شدت از حشره شدن «گرگوار زامزا» جانبداری کردم. سرنوشت او، با آن فضای زندگی و کاری، تنها بدانجا می‌توانست بیانجامد. همان فضا و شرایط، گاه در زندگی ما - مردم - نیز احساس می‌شد. روزهای متمادی به خودم و آدمیانی که می‌دیدم، می‌اندیشیدم؛ آدمیانی که به نظرم با «مسخ» شدن فاصله‌ی چندانی نداشتند. تصورم این بود که تنها یک تحول اساسی و بنیادین، احساس پوچی، بیهودگی و ناامیدی را از دل مردم می‌تواند بشوید؛ و آنان را بر گام‌های خویش استوار سازد. سال‌ها گذشت. جامعه تحول‌های زیادی را تجربه کرد. در گیرودار یک بیماری و دوره‌ی طولانی درمان، بار دیگر مسخ را مطالعه کردم. نیازی که برای برخاستن و به جریان‌های جاری زندگی پیوستن در خود می‌دیدم موجب شد تا قلم به دست بگیرم «گرگوار» را که در داستان من «آبتین» نام گرفت، از پوست سخت حشره‌گونه‌اش بیرون آورم و به او فرصت دهم تا بار دیگر بخت خویش را برای زندگی در شرایطی که پس از مسخ او ایجاد شده بود، بیازماید. می‌توانم بگویم، عمری بر سر آن نهادم. تا اینکه بالاخره مَهر پایان بر آن زدم و نام «هنوز هیچکس نیستیم» بر آن نهادم. بعدها سه سال دیگر برای آن زمان گذاشتم تا به چشم یک ناقد، اثر را ویرایش کرده، به موجزترین شکلی که می‌توانم، اصلاحش کنم و در نهایت، بخت خود را برای به چاپ رسانیدن آن بیازمایم. تا چه قبول افتد و چه در نظر آید.